

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

گزارشها

گزارشگران پورتال- افغانستان
۲۶ جولای ۲۰۱۶

در افغانستان چه می گذرد؟

۳۱۲

قربانیان حمله وحشیانه انتحاری دوم اسد، توده های ستمدیده کشور

دوم اسد سال ۱۳۹۵، یکی از خونبارترین و سیاه ترین روز های تاریخ خونین افغانستان مستعمره – نیمه فیودالی، ثبت تاریخ گردید. در این روز سیاه سه حمله کننده انتحاری، کسانی را مورد حمله قرار دادند که بیش از ۹۹ درصد آنها به نان شب و روز شان درمانده بودند و در بدترین شرایط زندگی به سر می بردند. فقر و ناداری از سیمای همه آنها نمایان بود و مطمئناً تعداد زیادی از آنها حتی دلیل تجمع اعتراضی را بدرستی درک نمی کردند و در واقع گوشت دم توپ کشمکش های درونی طبقه حاکم دولت دست نشانده گردیدند. در این حمله وحشیانه و خونین صد ها انسان (به گفته رسانه های سرکاری بیش از ۸۰ کشته و ۳۰۵ زخمی) به خاک و خون کشیده شدند. اختراع حلقه خبیثه (سیا، موساد و ام آی ۶) به نام داعش مسؤلیت این حمله بزدلانه را به عهده گرفت.

موضوع انتقال مسیر برق وارداتی از راه بامیان، همانند جنگ بر سر لحاف ملا نصرالدین دلیل تجمع اعتراضی هزاران انسانی بود که بیشتر از ۹۹ درصد آنها را انسان های زحمتکش و ستمدیده کشور تشکیل می دادند و یک درصد مغرض، جاسوس و معلوم الحال با استفاده از احساسات پاک توده ها، در صدد آن بوده و اند تا از آنها استفاده ابزاری نموده، از ریختن خون آنها بر روی سرکهای داغ، وضوی سجده تقرب به درگاه امپریالیزم را تازه نمایند.

در همین جا اولتر از همه و قبل از آن که گزارش تحلیلی خویش را از واقعه بیان دارم، ضمن آن که یاد تمام جانباختگان این فاجعه الم انگیز را گرامی داشته و به تمام فامیل های جانباختگان فاجعه، ابراز تسلیت می نمایم، با وضاحت تمام به آنهایی که می خواهند بر مبارزه شان پافشاری نمایند، پیشنهاد می نمایم؛ بکوشند به همان سانی که نسل اول مدعی رهبری جنبش از قماش "خلیلی"، "محقق" و "دانش" و ... را با طرح شعارهای شان به جایگاه اصلی آنها که همان آغوش امپریالیزم و دلکان دست نشانده اش در اداره "ع. و غ." است، فرستادند، وظیفه دارند تا هوشیاری شان را حفظ نموده به کسانی از قماش "احمد بهزاد" که در سرسپردگی، جاسوسی و مزدوری به رژیم فاشیستی، آخوندی ایران بی مثال است، نیز اجازه ندهند تا سایه شوم وابستگی و انقیادشان را بر جنبش پهن نموده، خون های ریخته شده را در آسیاب امپریالیزم و ارتجاع منطقه سرازیر نمایند.

و اما به ارتباط در خواست از دولت دست نشانده:

اولاً چنین دولت هائی هیچ فکری برای خدمت به توده ها در ذهن شان نداشته و کار هائی را که انجام می دهند موقتی و سرسری می باشند. در بیشتر از پانزده سال گذشته با وجود سرازیر شدن میلیارد ها دالر به جزء از یک مورد، هیچ کار بنیادی و اساسی در سرزمین اشغالی افغانستان انجام نداده و تمامی پروژه ها موقتی طرح و دیزاین گردیده است. اتکاء به برق وارداتی یکی از واضح ترین مثال های چنین دولت های پوشالی و وابسته است. امروز بدبختانه سویچ های حیاتی ترین نیاز زندگی در کشور های تاجیکستان و ازبکستان نصب گردیده و هر زمانی که بخواهند، می توانند میلیون ها انسان را از روشنائی برق محروم گردانند.

ثانیاً یکی از بدبختی های دولت های پوشالی و وابسته، متکی و وابسته بودن است. این نوع دولت ها از هر لحاظ باید وابسته و متکی باشند. قوای امنیتی دولت پوشالی کابل را باید اشغالگران غربی تغذیه نمایند، بودجه عادی و انکشافی آن باید به اساس جیره بندی اشغالگران، کوچک و بزرگ گردد. در تمامی دفاتر و ادارات دولتی باید مشاوران خارجی به صورت دوامدار برای مقامات دولت پوشالی نسخه های مورد نیاز خود شان را تجویز نمایند. رئیس دولت پوشالی بدون اجازه بادرش حق رفتن به بیت الخلاء را نداشته باشد. خواب و خیال حاکمان چنین دولت هائی شب و روز طرح و ساختن پروژه های موقتی اند که چگونه بتوانند از اربابان شان پول زیادتر کمائی کنند. خلاصه کلام دولت های پوشالی و وابسته که مثال واضح آن دولت مزدور و وابسته وحشت «ملی» کابل است، هیچ صلاحیتی در اجراءات خود نداشته و بدون اجازه بادرش حتی اجازه همبستر شدن با خانم های شان را ندارند.

ثالثاً در قاموس چنین دولت های تفرقه افگنی، ایجاد نفاق بین توده ها، دامن زدن به اختلافات سمتی، قومی، مذهبی و ملیتی به شکل حاد آن وجود داشته و پیوسته تلاش می نمایند تا از هر طریق ممکن این اختلافات را شدیدتر ساخته و از این طریق پایه های متزلزل دولت پوشالی را دو دستی نگهدارند.

رابعاً این نوع دولت ها هرگز پایگاه توده ئی نداشته و همیشه متکی به مشتی دزد، راهزن و جنایتکار می باشند. امروز دم و دستگاه دولت پوشالی کابل پر است از جنایتکاران و قاتلین چهار دهه اخیر. **خلیلی، محقق، سیاف، عطا، ملا تره خیل، قانونی**، قومندان های جنایتکار شورای نظار، جنایتکاران حزب وحدت، جواسیس جنایتکار حزب اسلامی، تکنوکرات های تربیه شده در دستگاه های جاسوسی غرب و ده ها جاسوس و جنایتکار جنگی دیگر ستون های اصلی دولت پوشالی کابل را تشکیل می دهند.

در چنین دولت های فقر و بیکاری نصیب توده های میلیونی، ثروت و رفاه نصیب اقلیتی دزد، راهزن، جنایتکار و جاسوس می گردد و این سلسله تا زمانی ادامه خواهد داشت که در کنار شرایط عینی انقلاب، شرایط ذهنی انقلاب آماده گردیده و با راه اندازی خیزش های میلیونی به رهبری جبهه ملی - دموکراتیک نیرو های انقلاب گردهم آمده و نه تنها اقدام به راندن درنده های اشغالگر نمایند، بلکه کاخ های کاغذی دولت پوشالی را بر سر شان ویران نموده و دولت ملی - دموکراتیک را برای رفاه و آسایش توده های میلیونی فراهم سازند.